

بررسی و نقد دیدگاه تعارض جرم‌انگاری توهین به مقدسات دینی با آزادی بیان

علی صادقی *

چکیده

دیدگاه «تعارض جرم‌انگاری توهین به مقدسات دینی با آزادی بیان»، چنین اظهار می‌کند: دین‌داران بر این باورند که آزادی بیان را باید با ارزش‌های دیگری چون ارزش‌های دینی، محدود کرد؛ در حالی که آزادی بیان افراد و گروه‌ها را فقط با آزادی بیان دیگر افراد و گروه‌ها و نه با ارزش‌های مذهبی آنان، می‌توان محدود ساخت. بنابراین افراد، در نقد مقدسات مذاهب و ادیان آزادند؛ هرچند در عمل، به توهین منجر گردد. آنها مؤیداتی نیز از حقوق، اخلاق و سیاست بر این ادعا اقامه می‌کنند. شبهه مورد نظر، بر اساس دو مبنای حقوق بشر غربی و حقوق اسلامی، قابل نقد است: از منظر حقوق بشر غربی؛ این که تنها محدودکننده آزادی بیان افراد و گروه‌ها، آزادی بیان دیگر افراد و گروه‌هاست، ادعایی بیش نیست؛ از منظر حقوق اسلامی نیز، انسان آزاد مطلق نیست، بلکه از همان ابتدا آزادی‌های او به اموری محدود است.

کلیدواژگان: جرم‌انگاری، تعارض، آزادی بیان، مقدسات، توهین.

مقدمه

یکی از ارزش‌هایی که در دنیای مدرن، بسیار بر آن اصرار و تأکید می‌شود و حتی آن را مهم‌ترین وجه تمایز جامعهٔ رشديافته از عقب‌مانده و حکومت مردم‌سالار از حکومت استبدادی بر می‌شمردند؛ حق «آزادی بیان» است؛ تا جایی که آن را گلِ سرسبد آزادی‌های مدنی دانسته‌اند (آصفی، ۱۳۷۰، ص ۳۴۴). آزادی بیان، به این معناست که هرانسانی در هر جا و در هر زمان، حق دارد دیدگاه خود را دربارهٔ مسائل گوناگون بیان کند و کسی حق ندارد او را از بیان دیدگاه‌هایش منع کرده و یا مورد آزار قرار دهد. آزادی بیان بیشتر در مباحث سیاسی و نقد دولت‌ها و حکومت‌ها مطرح می‌شود؛ ولی به این عرصه منحصر و محصور نیست، بلکه به همهٔ حوزه‌های اندیشهٔ بشری مربوط می‌شود. فارغ از همهٔ بحث‌هایی که در زمینهٔ تعریف، مبانی اخلاقی، سیاسی، حقوقی و فرهنگی، شرایط و محدودیت‌های این مسئله وجود دارد؛ آزادی بیان فی‌الجمله، حقی انسانی و نوعی ارزش به حساب می‌آید؛ اما ارزشی مطلق و حقی بدون قید و شرط نیست. همان‌گونه که ارزش این حق انسانی، فی‌الجمله قابل پذیرش است؛ اعتقاد به وجود قیود و شرایط و سازکارهای مبتنی بر اخلاق و قانون برای آن ضرورتی انکار ناپذیر است؛ زیرا نمی‌توان به بهانهٔ حق آزادی بیان، اجازه داد افرادی به حیثیت و آبروی دیگران و سلامت و امنیت روانی افراد و جامعه هجوم ببرند و فضای اجتماع را به محل تسویه حساب‌های شخصی و حزبی بدل کنند. اغلب افراد و سیستم‌های حقوقی و سیاسی، اجمالاً این امر را قبول دارند؛ زیرا هر فرد یا سیستمی که به مطلق بودن آزادی بیان رأی دهد، در واقع به مخالفان خود اجازه داده است که از این حق برای از بین بردن حیثیت آن فرد یا سیستم استفاده کنند.

در دنیای غرب، از آغاز پیدایش رنسانس تاکنون، همواره عده‌ای به نام آزادی بیان، به توهین و تحقیر مقدسات دینی دیگران پرداخته و آن را حق انسانی خویش قلمداد و منتقدان رفتار خود را به حمایت از استبداد و دیکتاتوری متهم کرده‌اند؛ چنان‌که امروزه در





کشورهای غربی با شیوه‌های گوناگون، به مقدسات دینی مسلمانان اهانت می‌کنند. در نوشتار حاضر به یکی از شبهه‌هایی که برای توجیه روایی توهین به مقدسات دینی - اسلامی، صورت‌بندی شده است؛ اشاره می‌کنیم و به بررسی و نقد آن می‌پردازیم.

تمام مذاهب و ادیان مقدساتی دارند که برای طرفداران آنها محترم شمرده می‌شود؛ حتی در ادیان ابتدایی، مکان‌ها، اشخاص و یا چیزهایی مقدس وجود داشته است (بایرناس، ۱۳۸۱، ص ۱۳). در بسیاری از ادیان، مقدسات دارای آن‌چنان اهمیتی هستند که باورمندان به آن دین، حاضرند در راه آن، حتی مال و جان و همه هستی خود را فدا کنند. از منظر اینان، توهین به مقدسات بسی سنگین‌تر و ناپسندتر از توهین به آنان و حتی اهانت به قوم و قبیله آنان است. از دیرباز، وجود مقدسات دینی و مذهبی از یک طرف و لزوم پاسداشت حق آزادی انسان در بیان عقاید خود از طرف دیگر، رابطه‌ای مبهم را به وجود آورده و همواره این سؤال مطرح بوده است که آیا احترام به مقدسات، به معنای محدود کردن آزادی بیان انسان نیست؟ آیا افراد به بهانه حق آزادی بیان، می‌توانند هر نوع بی‌احترامی را به مقدسات دیگران روا دارند؟

شبهه مذکور، مدعی است که آزادی بیان را نمی‌توان با منع توهین به مقدسات محدود کرد و نگارنده آن مقاله برای ادعای خود، مؤیداتی عنوان کرده است. در نقد حاضر، ابتدا پرسش را از دو منظر حقوق غربی و حقوق اسلامی مورد بررسی قرار داده و سپس به نقد مؤیدات حقوقی، اخلاقی و سیاسی مطرح شده خواهیم پرداخت.

بررسی و نقد

۱. بنیادهای نظری

۱-۱. خاستگاه حقوق غربی

بر اساس «قرارداد اجتماعی» ژان ژاک روسو، به‌عنوان مبنای مشروعیت قانون و حکومت در غرب (فتحعلی، ۱۳۸۹، ص ۱۰۳)؛ انسان آزاد است و برای جلوگیری از تعارض و هرج



و مرج، آزادی انسان به آزادی و حقوق دیگر انسان‌ها محدود می‌شود. یکی از آزادی‌ها و حقوق شناخته‌شده انسان‌ها، حق انتخاب و داشتن مذهب و دین است و دیگران نسبت به این حق و لوازم آن مسئولند. یکی از مهم‌ترین لوازم اعتقادات مذهبی و دینی، تقدس داشتن برخی اشخاص یا مکان‌ها یا اشیاء است. افراد، همان‌طور که نباید به آزادی تن و مال و آبروی دیگر افراد تجاوز کنند، نباید به آزادی و حقوق مذهبی آنها، از جمله مقدسات مذهبی‌شان تعدی صورت پذیرد. برای بسیاری از افراد، مقدساتشان حتی از جان و مال و ناموس بالاتر و برتر است و لذا حاضرند جان و مال و عرض خود را در این راه فدا کنند. این نکته در اسناد حقوق بشری بین‌المللی نیز منعکس شده است؛ چنان‌که در ماده ۱۹ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، مصوب ۱۹۶۶ آمده است: «۲. هرکس حق آزادی بیان دارد. این حق شامل آزادی تفحص و تحصیل و اشاعه اطلاعات و افکار از هر قبیل، بدون توجه به سرحدات، خواه شفاهاً یا به صورت نوشته یا چاپ یا به صورت هنری یا به هر وسیله دیگر، به انتخاب خود شخص می‌باشد؛ ۳. اعمال حقوق مذکور در بند ۲ این ماده، مستلزم حقوق و مسئولیت‌های خاصی است و لذا ممکن است تابع محدودیت‌های معینی شود که در قانون تصریح شده و برای امور ذیل ضرورت داشته باشد: الف) احترام حقوق یا حیثیت دیگران؛ ب) حفظ امنیت ملی یا نظم عمومی یا سلامت یا اخلاق عمومی».

از طرف دیگر، در این ماده، آزادی بیان، به احترام به حقوق و حیثیت دیگران، محدود شده و روشن است یکی از ابعاد حیثیت فرد دیندار، مذهب و آیین اوست و بی احترامی به دین و مقدسات دینی‌اش، به معنای تجاوز به حیثیت اوست؛ حتی بر اساس گزارش گزارش‌گر ویژه حق آزادی عقیده و بیان، بند ۳ ماده ۱۹ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، آزادی بیان را به سبب اخلاق عمومی محدود می‌کند. بنابراین دولت‌ها می‌توانند در حدود مقررات قانونی و در جهت حفظ اخلاق عمومی، در آزادی بیان مداخله کرده و در حد لازم، آن را محدود کنند؛ در همین گزارش، توهین به مقدسات از مصادیق خلاف

اخلاق عمومی اعلام گردیده است که می‌توان بدین جهت، آزادی بیان را محدود کرد؛ اگر چه در عمل، کشورهایی که بر مبنای قوانین داخلی خود از این اختیار استفاده قانونی کرده‌اند، همواره مورد انتقاد سازمان‌های بین‌المللی وابسته به حقوق بشر قرار گرفته‌اند (مهر پرور، ۱۳۷۴، ص ۳۵۹).

همچنین اعلامیه جهانی حقوق بشر که از مهم‌ترین اسناد بین‌المللی است، در ماده ۱۹ آورده است: «هر کس آزاد است هر عقیده‌ای را بپذیرد و آن را به زبان بیاورد و این حق، شامل پذیرفتن هرگونه رأی بدون مداخله اشخاص می‌باشد و می‌تواند به هر وسیله که بخواهد، بدون هیچ قید و محدودیت به حدود جغرافیایی، اخبار و افکار را تحقیق و دریافت کند و انتشار دهد.» در میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی هم تأکید شده است که «هیچ‌کس را نمی‌توان به مناسبت عقایدش مورد مزاحمت و اخافه (ترساندن) قرار داد.» همچنین آمده است: «هر کس حق آزادی بیان دارد و این حق شامل آزادی تفحص و تحصیل و اشاعه اطلاعات و افکار از هر قبیل، بدون توجه به سرحدات خواه شفاها یا به صورت نوشته یا چاپ یا به صورت هنری یا به هر وسیله دیگر، به انتخاب خود می‌باشد.» روشن است که وقتی در اعلامیه جهانی حقوق بشر، حق آزادی عقیده به رسمیت شمرده شده، این حق تکالیفی را برای دیگران ایجاد می‌کند. به‌طور نمونه وقتی حق مالکیت به رسمیت شمرده شده، معنایش این است که دیگران نمی‌توانند به اموال شخصی افراد تعرض کنند. در مورد عقیده افراد نیز تکلیف دیگران عدم تعرض و توهین به مقدسات و عقاید افراد است. در نتیجه نمی‌توان گفت این ماده فقط آزادی انتخاب عقیده را به رسمیت شمرده است و بر احترام به عقاید افراد دلالت ندارد.

علاوه بر این، در ماده ۲۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر، بر نقش محدود کننده «مقتضیات صحیح اخلاقی» و «نظم عمومی» تأکید شده است. همچنین بند ۲ ماده ۲۰ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، هرگونه دعوت (ترغیب) به کینه (تنفر) ملی یا نژادی یا مذهبی را که محرک تبعیض یا مخاصمه یا اعمال زور باشد، ممنوع اعلام کرده





است (ر.ک: احمدزاده، ۱۳۹۴، ص ۲۵۷ - ۲۶۱) روشن است که توهین به مقدسات، مصداقی از دعوت به کینه و تنفر مذهبی و محرک مخاصمه و خشونت خواهد بود. با این بیان، می‌توان ادعا کرد که جرم‌انگاری توهین به مقدسات، به دلیل عدم احترام به حیثیت افراد و برخورد آن با نظم و اخلاق عمومی در کشورهایی که این جرم را به رسمیت شناخته‌اند (به‌ویژه کشورهای اسلامی) و نیز محرک مخاصمه و خشونت بودن آن، کاملاً با قوانین بین‌المللی مربوط به حقوق بشر سازگار است.

جرم‌انگاری توهین به مقدسات علاوه بر نصوص بین‌المللی، در کشورهای مختلف مشاهده می‌شود. در کشور انگلستان، قانون مربوط به "Blasphemy" (توهین به مقدسات) تصویب شده است. برخی از حقوق‌دانان انگلیسی، در دفاع از این قانون، به تبیین فلسفه جرم‌انگاری آن پرداخته و بر این عقیده‌اند که هرگاه توهین به مقدسات، به قصد جریحه‌دار کردن احساسات بشری و یا اهانت صریح به کلیساهای قانونی یا موجب ترویج مسائل غیراخلاقی باشد؛ از مصادیق این جرم خواهد بود؛ یعنی با این توجیه، در واقع، در صدد بیان فلسفه این جرم هستند که همانا «جریحه‌دارکردن احساسات بشری» و «ترویج مسائل ضد اخلاقی» است و با اخلاق عمومی ارتباط دارد. بعضی از حقوق‌دانان نیز این جرم را زمینه‌ای مفروض برای ضربه فراگیر به بافت جامعه دانسته‌اند (هاشمی، ۱۳۸۰، ص ۱۰۸). البته باید دانست که این قانون در سال ۲۰۰۸ م لغو گردید و تنها تعدی به اصول و عقاید کلیسای انگلیس را ممنوع ساخته است و سایر فرق و ادیان را شامل نمی‌شود (احمدزاده، ۱۳۹۴، ص ۱۰۷). چنین رویکرد مغرضانه‌ای به‌طور محسوس در قضیه کتاب «آیات شیطانی» سلمان رشدی مشهود است. (لهراسی پور، ۱۳۷۵، ص ۲۸ - ۵۴).

در ایالت‌های مختلف امریکا، در موارد گوناگونی، توهین به مقدسات جرم‌انگاری شده؛ ولی به مقدسات مسیحیت، همچون خدا، مسیح و تثلیث منحصر شده است (احمدزاده، ۱۳۹۴، ص ۱۱۰).

۲-۱. خاستگاه حقوق اسلامی

بر مبنای حقوق اسلامی که بر اراده تشریعی خداوند مبتنی است (ر.ک: جمعی از نویسندگان، ۱۳۹۱، ص ۱۳۹ - ۱۵۰) حقوق و آزادی‌های انسان، هدف نیستند؛ بلکه وسیله‌ای برای رسیدن به هدف غایی انسان، یعنی کمال انسانی و قرب پروردگار است. بنابراین انسان آزاد مطلق نیست، بلکه آزادی‌های او به اموری مقید و مشروط است که او را از این هدف غایی باز ندارد. در مورد آزادی بیان نیز چارچوب و محدوده‌ای قرار داده شده؛ به طور مثال، آزادی بیان به غیبت، تهمت، توهین، افترا، سخن چینی و تمسخر محدود است. یکی از این محدودیت‌ها، مقدسات دینی - چه مقدسات دین اسلام و چه مقدسات دیگر ادیان - است. در مورد آیین‌های غیرالهی نیز مسلمانان به دلیل آثار سوء توهین، از آن منع شده‌اند؛ قرآن در این زمینه بیان می‌دارد: ﴿وَلَا تَسُبُّوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ فَيَسُبُّوا اللَّهَ عَدْوًا بِغَيْرِ عِلْمٍ﴾ [شما مؤمنان] به آنان که غیرخدا را می‌خوانند، دشنام ندهید تا مبادا آن‌ها نیز از روی دشمنی و جهالت خدا را دشنام دهند! (انعام: ۱۰۸). «سب» و «توهین» متفاوت‌اند؛ ولی می‌توان سب را یکی از مصادیق توهین دانست. به تعبیری بین سب و اهانت نسبت «عموم و خصوص مطلق» برقرار است؛ به این صورت که اهانت، هم با لفظ و هم با فعل و ترک فعل محقق می‌شود؛ در حالی که سب اخص از توهین است و تنها دشنام‌گویی با جملات خبری و انشایی را شامل می‌شود (نوری، ۱۳۹۴، ص ۲۷). مرحوم علامه طباطبایی در ذیل آیه مذکور تصریح می‌کنند که این آیه ادب دینی را بیان کرده است که با آن کرامت مقدسات دینی حفظ می‌شود (ر.ک: طباطبایی، [بی‌تا]، ج ۷، ص ۳۱۴) و نیز ﴿وَ جَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ﴾ و با بهترین طریقه با آنان مناظره کن. (نحل: ۱۲۵) همچنین به آیات دیگری در زمینه ضرورت احترام به مقدسات استناد شده است؛ از جمله آیه ﴿وَمَنْ يُعْظَمْ شَعَائِرَ اللَّهِ فَإِنَّهَا مِنْ تَقْوَى الْقُلُوبِ﴾ و هر کس شعائر خدا را بزرگ شمارد، بدون تردید این بزرگ شمردن ناشی از تقوای دل





است.» (حج: ۳۲) و آیه «وَمَنْ يُعَظِّمْ حُرْمَاتِ اللَّهِ فَهُوَ خَيْرٌ لَهُ عِنْدَ رَبِّهِ» و هر کس اموری را که خدا حرمت نهاده بزرگ شمارد، این برایش نزد خدا بهتر خواهد بود.» (حج: ۳۰). تتبع در آیات و روایات و بررسی کلمات فقها، نشان می‌دهد که لفظ «مقدسات» در هیچ یک از احکام، موضوع قرار نگرفته است؛ بلکه «شعائر» و «حرمت» که مفهوم اخص از مقدسات است، موضوع بعضی از احکام قرار گرفته است. لذا مراد از شعائر و حرمت، مقدساتی است که ما را به یاد خدا بیندازد و خداوند هتک آنها را به ما اجازه نداده باشد (نوری، ۱۳۹۴، ص ۱۱۵). البته باید دانست که این دو آیه اخیر که در آنها احترام به شعائر و حرمت مطرح گردیده، قابل استفاده در خصوص مقدسات دین اسلام است و از آن نمی‌توان برای احترام به مقدسات تمام ادیان استفاده کرد.

۳-۱. توهین به مقدسات در قوانین جمهوری اسلامی ایران

در قوانین جمهوری اسلامی ایران، به تبعیت از فقه اسلامی، توهین به مقدسات جرم انگاری شده است. ماده ۵۱۳ قانون تعزیرات، مصوب ۱۳۷۵ در این زمینه مقرر می‌دارد: «هرکس به مقدسات اسلام و یا هر یک از انبیای عظام یا ائمه طاهرين (ع) یا حضرت صدیقه طاهره (ع) اهانت نماید، اگر مشمول حکم ساب‌النبی باشد، اعدام می‌شود و در غیر این صورت، به حبس از یک تا پنج سال محکوم خواهد شد». رکن مادی این جرم، توهین و اهانت کردن و متعلق آن مقدسات اسلام است. برخی از مقدسات اسلام مانند انبیای عظام یا ائمه طاهرين (ع) یا حضرت صدیقه طاهره (ع)، در متن ماده مذکور عنوان شده است؛ اما روشن است که عنوان مقدسات اسلام عام‌تر است و به این موارد منحصر نمی‌شود. برخی در تعریف مقدسات اسلام آورده‌اند: «مقدسات اسلام به اشخاص، اشیا و اموری گفته می‌شود که جزء ارکان یا ضروریات دین اسلام بوده و انکار آنها مستلزم انکار دین اسلام و اهانت به آنها مستلزم اهانت به اساس دین اسلام است» (زراعت، ۱۳۸۱، ص ۱۵۰).

برخی از حقوقدانان تصریح کرده‌اند که منظور از مقدسات اسلام، در درجه اول، ذات باری تعالی و پس از آن، همه مکان‌ها، چیزها و اشخاصی هستند که از لحاظ موازین دین اسلام،



مقدس و قابل احترام محسوب می‌شوند؛ مثل قرآن کریم یا کعبه یا مزار پیامبر ﷺ و امامان علیهم‌السلام و یا شخصیت‌های مورد احترام سایر مذاهب که از نظر اسلام هم واجب التعظیم هستند (مثلاً حضرت مریم و هاجر) یا شخصیت‌های اسلامی (مثل حضرت ابوالفضل، علی اکبر، حمزه، زینب و خدیجه) (میرمحمد صادقی، ۱۳۹۲، ص ۱۸۰).

نکته قابل توجه در مورد ماده ۵۱۳ قانون تعزیرات، این است که در این ماده تمام مقدسات ادیان الهی را مورد احترام قرار داده؛ زیرا اهانت به همه پیامبران عظام را جرم‌انگاری کرده و آن را به پیامبر اکرم اسلام منحصر نکرده است. ممکن است تصور شود مراد از پیامبران عظام پنج پیامبر اولوالعزم است؛ ولی همان‌طور که برخی تصریح کرده‌اند، مقصود از انبیای عظام، یک صد و بیست و چهار هزار تن پیامبر الهی هستند که به منظور هدایت بشر، از جانب خداوند بدین مقام مبعوث شده‌اند؛ چراکه واژه «عظام» از حیث تعظیم و به اعتبار بزرگداشت مقام انبیای الهی قید شده و واژه مذکور، مخصوص برای پیامبران خاصی مثلاً پیامبران «اولوالعزم» محسوب نمی‌شود. بنابراین از جهت موضوع ماده مورد بحث، تمامی پیامبران الهی در یک ردیف و مرتبه قرار داشته و توهین به هریک از آنها جرم و مستلزم مجازات خواهد بود (سالاری، ۱۳۷۸، ص ۲۱۲).

برخی در مقام انتقاد به ماده ۵۱۳ و در بیان ضرورت حمایت از مقدسات سایر ادیان، حتی مقدساتی که مورد تأیید اسلام نباشد؛ چنین بیان می‌کنند: «حمایت از مقدسات سایر مذاهب اصلی جهان و به‌ویژه ادیان ابراهیمی یا اقلیت‌های دینی شناخته شده در قانون اساسی در قبال اهانت؛ حتی اگر آن مقدسات مورد تأیید ما نباشد؛ از آن رو ضروری است که اهانت به باورهای مذهبی سایرین، علاوه بر این که کاری خلاف اخلاق سلیم و وجدان بشری است؛ می‌تواند موجب اخلال در امنیت داخلی و حتی خارجی کشور شود؛ ولی برخورد مناسب با توهین‌کننده، آرامش را به پیروان مذهب مورد اهانت بازگردانده و از برهم خوردن امنیت کشور، که احتمالاً در نتیجه اقدامات خودسرانه آنها رخ خواهد داد؛ جلوگیری می‌کند» (میرمحمد صادقی، ۱۳۹۲، ص ۱۸۱). نسبت به این اظهارات باید گفت مقدسات سایر ادیان الهی که مورد تأیید اسلام است، به نحوی جزو مقدسات اسلام نیز محسوب و مشمول ماده ۵۱۳ قانون تعزیرات خواهد بود. به‌طور مثال شأن حضرت مریم که جزو مقدسات مسیحیت محسوب می‌گردد، جزو مقدسات اسلام نیز



هست (و اهانت به ایشان، مشمول ماده ۵۱۳ مذکور می‌شود) ولی اطلاق کلام این حقوق‌دانان قابل نقد است؛ زیرا اگر بنا باشد، تمام مقدسات دیگر ادیان مورد حمایت قرار گیرد و اهانت به آن جرم‌انگاری گردد؛ لازمه‌اش تأیید تمام انحرافات و تحریفات دیگر ادیان است. به‌طور نمونه یکی از معتقدات و مقدسات مسیحیت تحریف شده تثلیث؛ یعنی اعتقاد به خدایان سه‌گانه است؛ در حالی که این اعتقاد خلاف مبانی اسلام است و در قرآن نیز مورد نقد قرار گرفته است. قرآن بر اساس نظام توحیدی، با صراحت و قاطعانه به انکار و نقد آموزه تثلیث پرداخته و با رد هرگونه اعتقاد به الوهیت عیسی مسیح، یا «این همانی الله و مسیح»، این عقیده را کفرآمیز و شرک آلود خوانده است (مائدة: ۷۳). بدین جهت برخی در انتقاد به نویسندۀ مذکور، معتقدند جرم‌انگاری تمام مقدسات سایر مذاهب جهان، حتی مواردی که مورد تأیید اسلام نباشد، با موازین فقهی و نتیجتاً اصل چهارم قانون اساسی سازگاری ندارد (سالاری، ۱۳۸۷، ص ۲۱۲).

در توضیح مجازات ماده ۵۱۳، باید گفت که اگر توهین به پیامبران عظام و امامان علیهم‌السلام از مصادیق سب باشد، مشمول مجازات حدی سب است که در ماده ۲۶۲ ق.م.ا منعکس شده است. این ماده مقرر می‌دارد: «هر کس پیامبر اعظم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و یا هر یک از انبیای عظام الهی را دشنام دهد یا قذف کند، سبّ النبی است و به اعدام محکوم می‌شود. تبصره: قذف هر یک از ائمه معصومین علیهم‌السلام و یا حضرت فاطمه زهرا علیها‌السلام یا دشنام به ایشان در حکم سبّ نبی است».

«سبّ»، در لغت به معنای دشنام دادن، فحش دادن، لعن و ناسزا آمده است (معین، ۱۳۸۸، ص ۸۰۶) در خود ماده مذکور نیز از تعبیر دشنام و قذف استفاده شده است. «قذف» در لغت به معنای به بدی نسبت دادن است (همان، ص ۱۱۱۶) و ماده ۲۴۵ ق.م.ا در تعریف آن آورده است: «قذف عبارت است از نسبت دادن زنا یا لواط به شخص دیگر، هرچند مرده باشد.» حدّ قذف برای افراد عادی هشتاد ضربه شلاق است (ماده ۲۵۰ ق.م.ا) اما نسبت به افراد مقدس، همچون پیامبران و امامان با توجه به جایگاه رفیعی که دارند و با عنایت به اینکه قذف آنان توهینی بزرگ به مقدسات تمام مسلمانان است، مجازات اعدام تعیین گردیده است. همچنان که سبّ و دشنام افراد عادی مشمول ماده ۶۰۸ قانون تعزیرات و مستوجب مجازات تعزیری حبس است؛ ولی

سب و دشنام پیامبران و امامان، مستوجب مجازات اعدام است.
اما چنانچه عمل ارتكابی از مصادیق سب نباشد، مشمول مجازات تعزیری ماده ۵۳ قانون تعزیرات خواهد بود و مرتکب، به حبس از یک تا پنج سال زندان محکوم می‌شود.

بررسی و نقد شواهد و مؤیدات ایرادگر شبهه

۲. شواهد و مؤیدات

۲-۱. مؤیدات حقوقی

در قلمرو حقوقی، در زمینه قیدناپذیر بودن آزادی‌ها با توهین به مقدسات، مؤیداتی ارائه شده که به شرح ذیل است:

۲-۱-۱. مقدسات، وصی و وکیل ندارند و هیچ کس نمی‌تواند ادعا کند که نماینده خدا یا پیامبر و ائمه است تا از جانب آنها علیه کسی شکایت کند!

نقد: در دین اسلام، توهین به مقدسات، مجازات‌های معینی دارد؛ برخی حدی است (مانند دشنام به پیامبر و امامان) و برخی تعزیری (مانند توهین به معصومان در مرحله کمتر از دشنام).

اجرای حدود و تعزیرات هم بر عهده حاکم اسلامی است و بدیهی است این مقوله به داشتن وکالت و وصایت نیاز ندارد.

۲-۱-۲. کسی نمی‌تواند به علت رنجش خاطر از توهین به مقدسات، به دادگاه شکایت برد!

نقد: پاسخ به این مطلب از پاسخ قبلی روشن می‌شود؛ زیرا در خود هردینی مجازات و نحوه اجرای آن مشخص شده است. علاوه بر این، جرم، جنبه خصوصی و عمومی دارد و در واقع، فلسفه جرم‌انگاری توهین به مقدسات، جلوگیری از رنجش خاطر افراد نیست؛ بلکه حفظ مقدسات و حفظ دین و در نهایت کمال انسان است.

۲-۱-۳. با موازی‌سازی نفرت مذهبی با نفرت نژادی و نفرت قومی، نمی‌توان سخن





گفتن در باب مذهب را محدود کرد. نفرت مذهبی، به عنوان انگیزه ارتکاب جرم، موجب تشدید مجازات می شود؛ صرف توهین به مذهب یا باور افراد نمی تواند در مقوله حقوقی نفرت مذهبی، قرار گیرد.

نقد: چنانکه گذشت، حیثیت افراد علاوه بر نژاد و قبیله، شامل دین و مذهب می شود؛ بلکه دین و مذهب برای بسیاری از افراد، اهمیت بیشتری از نژاد و قبیله دارد؛ همان طور که دین اسلام انسان ها را از هر قوم و قبیله ای، تحت عنوان امت اسلامی می داند: ﴿وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا...﴾ (بقره: ۱۴۳)؛ عجیب این است که نویسنده، ممنوعیت توهین به نژاد یا قبیله را می پذیرد و بر ممنوعیت انکار هولوکاست در اروپا، صحه می گذارد؛ ولی توهین به مقدسات مذهبی را، به بهانه این که مذهب، امری اختیاری است، با نژاد و قوم، قابل مقایسه نمی داند! باید گفت این نتیجه ای که نویسنده از تفاوت در اختیاری بودن مذهب و اجباری بودن نژاد و قبیله گرفته است؛ فاقد هرگونه دلیل منطقی است؛ زیرا به هر حال، دین و مذهب، پاره ای از شخصیت و حیثیت انسان هاست؛ بلکه در جایگاهی برتر از نژاد و قبیله قرار دارد. بنابراین توهین به آن نیز می تواند جرم محسوب شود. چنانکه گذشت، میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی (بند ۲ ماده ۲۰) هرگونه دعوت (ترغیب) به کینه (تنفر) مذهبی را که محرک تبعیض یا مخاصمه یا اعمال زور باشد؛ ممنوع اعلام کرده و مسلم است که توهین به مذهب یا باور افراد، مصداق ترغیب به تنفر مذهبی و محرک مخاصمه و خشونت خواهد بود. نتیجه اینکه توهین به مذهب، نه تنها می تواند جرم انگاری شود، بلکه از منظر اسناد بین المللی، ممنوع اعلام شده است.

۴-۱-۲. توهین به مقدسات، با رعایت حقوق افراد قابلیت سنجش حقوقی ندارد؛ حتی واگذاری آن به عرف و هیأت منصفه، به دیکتاتوری اکثریت دینداران بر اقلیت های دینی یا اقلیت های غیردیندار، منجر می شود!

نقد: چنان که گذشت، همه ادیان؛ از جمله دین اسلام، برای توهین به مقدسات مجازاتی قرار داده اند و حتی شیوه اجرای آن مشخص شده است؛ به گونه ای که نمی توان

از آن تخطی کرد تا مبادا موجب تضییع حقوق گردد. البته تشخیص «توهین»، امری عرفی است؛ همان‌طور که تشخیص توهین به افراد (که در عمده کشورها جرم‌انگاری شده) امری عرفی است.

در خودداری از توهین به مقدسات اکثریت جامعه، هیچ دیکتاتوری‌ای وجود ندارد و در حقیقت این، احترام به حقوق اکثریت از ناحیه اقلیت است.

۵-۱-۳. پیشگیری از توهین به مقدسات، در نظام آزاد و دموکراتیک غیرممکن است؛ زیرا لازمه این پیشگیری، سانسور و روش‌های دیگری مثل آن است که از مؤلفه‌های تمامیت‌طلبی است.

نقد: میان رعایت احترام به مقدسات مذاهب و سانسور هیچ تلازمی وجود ندارد. توضیح اینکه، شخص می‌تواند از تمام اطلاعات مرتبط به‌رمند شود و در عین حال، نسبت به مقدسات دیگران، که جزئی از حیثیت آنان است، احترام لازم را رعایت کند. نکته قابل توجه این که نقد ادیان، با توهین به آن تفاوت دارد و اشخاص آزادند با رعایت احترام، به نقد ادیان بپردازند؛ ولی باید از توهین و بی‌احترامی اجتناب کنند.

۶-۱-۲. میان توهین به فرد و توهین به باور وی تمایز وجود دارد.

نقد: از مطالب پیش گفته روشن شد که تفکیک بین توهین به فرد و توهین به باور و اعتقادات دینی او منطقی نیست. فرد از حقوق و آزادی‌های مختلفی برخوردار است که یکی از آن‌ها مذهب و دین اوست. دین جزئی از حیثیت و شخصیت فرد است و توهین به آن، تجاوز به حقوق اوست.

۲-۲. مؤیدات اخلاقی

ایرادگر شبهه در قلمرو اخلاقی با دو نکته، قیدناپذیر بودن آزادی‌ها با مقدسات را تبیین کرده است:

۱-۲-۲. بسیاری از دینداران، تنها محدود شدن آزادی‌ها با مقدسات خاص خود را





می‌خواهند و مقدسات دیگران را به سخره می‌گیرند.

نقد: چنانچه احترام به مقدسات ادیان و مذاهب پذیرفته شود، باید همه به آن ملتزم باشند. کسی که به مقدسات دیگران توهین می‌کند، نباید انتظار داشته باشد دیگران به مقدسات او احترام بگذارند. اسلام نیز بر این نکته تأکید کرده، چنان‌که قرآن فرمان داده به مقدسات دیگران دشنام ندهید؛ زیرا آنان مقابله به مثل می‌کنند. لذا اگر در مقام عمل، برخی از دینداران این اصل را رعایت نمی‌کنند، این نکته دالّ بر انکار اصل احترام به مقدسات دینی نمی‌شود.

۲. عکس‌العمل دینداران در بسیاری از موارد، با توهین مفروض متناسب نیست! مثلاً مسلمانان مجازات توهین به پیامبر خود را مرگ می‌دانند و این مجازات، با بیان چند کلمه تناسب ندارد!

نقد: لازم است در ابتدا نکاتی در این خصوص ارائه شود:

نکته اول: هرتوهینی به پیامبر مجازات مرگ ندارد؛ بلکه سبّ پیامبر مجازات مرگ دارد. «سبّ»، به معنای دشنام دادن است. «سبّ‌النبی» از جرایم موجب حدی است و مرحوم صاحب جواهر، در مورد حکم سبّ‌النبی، جواز بلکه وجوب کشتن او بر شنونده، ادعای نفی خلاف، بلکه ادعای اجماع محصل و منقول کرده است (نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۴۱، ص ۴۳۲). دلیل این حکم، وجود روایات متعددی است که به تعبیر صاحب ریاض، «مستفیضه» است (طباطبایی، بی‌تا، ج ۲، ص ۴۸۱)؛ در برابر دیگر اهانت‌ها شخص صرفاً تعزیر می‌شود.

نکته دوم: این حکم به اهانت به پیامبر اسلام منحصر نیست، بلکه طبق دیدگاه بسیاری از فقها، در مورد سایر انبیای الهی نیز وجود دارد؛ به‌گونه‌ای که از ابن زهره در این مسئله ادعای اجماع نقل شده است (موسوی اردبیلی، ۱۴۲۷ق، ج ۲، ص ۴۳۹) و به همین دلیل، در ماده ۲۶۲ ق.م.ا، مصوب ۱۳۹۲، دیگر پیامبران عظام نیز در این مسئله به پیامبر اسلام ﷺ ملحق شده‌اند.



نکته سوم: مرجع تشخیص «سب»، عرف است، مرحوم شیخ انصاری در مورد مرجع تشخیص سب می‌نویسد: «ثم إنَّ المرجع في السبِّ إلى العرف؛ مرجع تشخیص سب عرف است» (انصاری، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۲۵۴). همچنین در جای دیگر، برخی از مصادیق را از سب خارج کرده و می‌گویند: «بناءً على أنَّ العبرة بحصول الذلِّ و النقص فيه عرفاً؛ بنابر این که ملاک برای تحقق سب، حصول خواری و نقیصه عرفی است» (همان، ص ۲۵۶). بسیاری از فقهای متأخر از ایشان نیز با پذیرش این مطلب، به توضیح و تفسیر سب عرفی پرداخته‌اند (ر.ک: خویی، [بی‌تا]، ج ۱، ص ۲۸۰).

بنابراین در مواجهه با توهین به مقدسات، عکس‌العمل دینداران ملاک نیست؛ چه بسا دینداران عکس‌العملی داشته باشند که مورد تأیید دین نباشد؛ بلکه در خصوص دین اسلام، به ویژه در مورد مثال حاضر، حکم را خود دین اسلام مشخص کرده است؛ در صورتی که توهین، «عرفاً» دشنام محسوب شود؛ شخص توهین کننده، محکوم به مرگ است؛ چنان‌که گذشت مبنای این حکم ادله شرعی و روایات متعدد است؛ اما ممکن است حکمت آن این باشد که دشنام به وجود مقدسی مانند پیامبر اسلام در واقع، به معنای زیر سؤال بردن اعتقادات میلیون‌ها مسلمان و جریحه‌دار کردن احساسات دینی آنان است. بنابراین باید مجازات سنگینی برای آن در نظر گرفته شود تا کسی به خود چنین جسارتی را جرأت ندهد! ولی اگر توهینی به مرحله سب نرسد، مجرم صرفاً تعزیر می‌شود.

۲-۳. مؤیدات سیاسی

در حوزه سیاسی به سه سوء استفاده از مقدسات اشاره کرده و می‌گویند: جلوگیری از آزادی بیان در توهین به مقدسات به سه امر نادرست منجر می‌شود:

۱. استفاده ابزاری از هیجانات افراد، برای بسیج سیاسی به نفع دولت‌ها و احزاب و برنامه‌ها و اهداف خاصی که دنبال می‌کنند؛

۲. استفاده از احساسات افراد برای سرکوب مخالفان؛



۳. قراردادن توهین به مقدسات، به عنوان پیش زمینه‌ای برای اعمال سیاست ترس و متعاقب آن سانسور و فیلترینگ مواد رسانه‌ای، که حکومت از آنها واهمه دارد!

نقد: سوء استفاده سیاسی گروهی، دلیلی بر نادیده گرفتن حقوق افراد نسبت به حرمت مقدسات دینی آنان نیست؛ بلکه باید به نحوی عمل شود که مانع این سوء استفاده‌ها گردد؛ بسیاری از حقوق و آزادی‌های افراد ممکن است مورد سوء استفاده سیاسی گروهی واقع شود. حتی خود انتخابات آزاد از این مسئله مستثنا نیست و ممکن است مورد سوء استفاده افراد ثروتمند و صاحب نفوذ و اصحاب رسانه‌ها و تبلیغات قرار گیرد. حال، آیا باید به دلیل این سوء استفاده‌ها، اصل حقوق و آزادی‌های افراد را منکر شد یا این که برای جلوگیری از سوء استفاده‌ها راهکاری اندیشید؟!

نتیجه‌گیری

۱. یکی از آزادی‌ها و حقوق شناخته شده انسان‌ها در غرب، حق انتخاب مذهب و دین است و دیگران نسبت به این حق و لوازم آن مسئولند. یکی از مهم‌ترین لوازم اعتقادات مذهبی و دینی، تقدس داشتن برخی اشخاص یا مکان‌ها یا اشیاء است و لذا همان‌طور که افراد نباید به آزادی تن و مال و آبروی دیگران تجاوز کنند؛ نباید به آزادی و حقوق مذهبی آنها از جمله مقدسات مذهبی‌شان تعدی ورزند. برای بسیاری از افراد مقدساتشان حتی از جان و مال و ناموس آنها بالاتر و برتر است؛ تا جایی که این افراد حاضرند جان و مال و عرض خود را در این راه فدا کنند. ضرورت این حرمت‌گذاری در اسناد حقوق بشری بین المللی، همچون ماده ۱۹ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، مصوب ۱۹۶۶ و بند ۲ ماده ۲۰ آن نیز منعکس شده است.

۲. بر مبنای حقوق اسلامی که بر اراده تشریعی خداوند مبتنی است، حقوق و آزادی‌های انسان هدف نیستند؛ بلکه وسیله‌ای برای رسیدن به هدف غایی انسان، یعنی

کمال انسانی و قرب الی الله است. بنابراین انسان آزاد مطلق نیست، بلکه آزادی‌های او به اموری مقید و مشروط است که او را از این هدف غایی باز ندارد. در مورد آزادی بیان نیز چارچوب و محدوده‌ای قرار داده شده است؛ به‌طور مثال، آزادی بیان به غیبت، تهمت، توهین، افترا، سخن‌چینی و تمسخر محدود است. یکی از این محدودیت‌ها مقدسات دینی - چه مقدسات دین اسلام و چه مقدسات دیگر ادیان - است.

۳. در قوانین جمهوری اسلامی ایران نیز به تبعیت از فقه اسلامی، توهین به مقدسات در ماده ۵۱۳ قانون تعزیرات، مصوب ۱۳۷۵ جرم‌انگاری شده است. بر اساس این ماده، مقدسات ادیان الهی که مورد تأیید اسلام است؛ مانند خود پیامبران عظام الهی مورد حمایت قرار گرفته و توهین به آنها مستوجب مجازات است.



فهرست منابع

۱. احمدزاده، ابوالفضل، *توهین به مقدسات مذهبی*، تهران: مجمع علمی مجد، ۱۳۹۴.
۲. آصفی، آصفه، *مبانی فلسفه*، چاپ چهارم، تهران: مؤسسه انتشارات آگاه، ۱۳۷۰.
۳. انصاری، مرتضی، *المکاسب*، قم: کنگره جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری، ۱۴۱۵ ق.
۴. بایرناس، جان، *تاریخ جامع ادیان*، ترجمه علی اصغر حکمت، چاپ دوازدهم، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۱.
۵. جمعی از نویسندگان، *درسنامه فلسفه حقوق*، چاپ دوم، قم: مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی (ره)، ۱۳۹۱.
۶. خویی، سید ابوالقاسم، *مصباح الفقاهة (المکاسب)*، [بی جا]: [بی تا].
۷. زراعت، عباس، *بررسی جرم اهانت به مقدسات اسلام*، مجله حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، دوره ۵۶، شماره پیاپی ۵۱۰، تابستان ۱۳۸۱.
۸. سالاری، مهدی، *جرایم علیه امنیت*، تهران: میزان، ۱۳۸۷.
۹. طباطبائی، سیدعلی، *ریاض المسائل*، قم: مؤسسه آل البیت (ع)، [بی تا].
۱۰. طباطبائی، محمدحسین، *تفسیر المیزان*، قم: جامعه مدرسین، [بی تا].
۱۱. فتحعلی، محمود، *نظام ارزشی و سیاسی اسلام*، چاپ هشتم، قم: مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی (ره)، ۱۳۸۹.
۱۲. لهراسبی پور، محمدرضا، *اسلام و ارتداد سلمان رشدی و مسئولیت کشور حامی*، رساله کارشناسی ارشد حقوق بین الملل، دانشگاه علامه طباطبائی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، ۱۳۷۵.
۱۳. مرجانی، سعید، *بررسی جرم اهانت به مقدسات مذهبی در قوانین موضوعه و متون فقهی*، مجله دادرسی، شماره ۶۹، ۱۳۸۷.





۱۴. معین، محمد، *فرهنگ معین*، چاپ چهارم، تهران: زرین، ۱۳۸۸.
۱۵. مهرپرور، حسین، *حقوق بشر در اسناد بین المللی و موضع جمهوری اسلامی ایران*، تهران: اطلاعات، ۱۳۷۴.
۱۶. موسوی اردبیلی، سید عبدالکریم، *فقه الحدود والتعزیرات*، چاپ دوم، قم: مؤسسه النشر لجامعة المفید، ۱۴۲۷ق.
۱۷. میرمحمد صادقی، حسین، *جرایم علیه امنیت و آسایش عمومی*، چاپ بیست و چهارم، تهران: میزان، ۱۳۹۲.
۱۸. نجفی، محمدحسن، *جواهرالکلام*، چاپ هفتم، بیروت: داراحیاء التراث العربی، ۱۴۰۴ق.
۱۹. نوری، عباس، *بررسی فقهی حکم اهانت به مقدسات ادیان*، تهران: مجمع علمی مجد، ۱۳۹۴.
۲۰. هاشمی، سیدحسین، *جرم اهانت به مقدسات در نظام حقوقی اسلام و کامن لا*، مجله رواق اندیشه، شماره دوم، مرداد و شهریور ۱۳۸۰.
۲۱. الهام، صادق، *هتک حرمت مقدسات*، تهران: دادگستر، ۱۳۹۰.